نگاه

پاسداری از سنت

خورخه والدانو*

ترجمه : سهیل نوری پناه

وقتی فوتبال را از منظر استیل و شیوه بازی بررسی کنیم آنگاه آمریکای لاتین نمادی است از زیبایی و شور فوتبال و از سوی دیگر تفکر در فوتبال اروپا ما را به سوی قدرت و سرعت نزدیک می کند. تا مدت ها فوتبال اروپا از سکون و نبوغ فوتبال لاتین می ترسید و نیز در مقابل این برزیل و آرژانتین بود که همواره از سختی و استحکام و حرفه ای گری فوتبال آلمان و انگلستان بیم و خوف داشت. حتی در این برهه یعنی در دوره هایی که فوتبال جهانی شده، اختلاف ها کاهش یافته و نیز متدها و تئوری های فوتبال به واسطه حضور چهره های مستعد دیگر قاره ها در بهترین باشگاه های اروپا یک سو حرکت می کند، اما باز هم می توانیم رگه هایی از این دو اختلاف را میان این دو سبک فوتبال که هنوز آشکارا غریزه و ویژگی خود را به رخ مخاطبین اش می کشد نظاره کرد. در کنار چنین تغییرها و رنگ عوض کردن های تاکتیکی و نیز دگرگونی برخی از سنت های قدیمی فوتبال ولی وقتی می خواهیم به فوتبال کشورهای سنتی، یعنی آن کشورهایی که حداقل یک بار فاتح جام جهانی بوده اند دقیق شویم درمی یابیم همان شیوه و همان شور و تلقی در فوتبالشان جاری است. جام جهانی ۱۹۷۸ را به یاد می آورم. زمانی که تنها یکی از فوتبالیست های ما در تیم ملی آرژانتین در باشگاهی اروپایی بازی می کرد. آن باشگاه والنسیا بود و آن ستاره نیز ماریو کمپس بهترین گلزن آن تورنمنت! . . . اما کافی است به امروز بنگرید و وقتی به مجموعه آلبیسلسته نظری گذرا بیندازیم متوجه می شویم که تنها یکی از فوتبالیست های مان- جز دروازه بانان- در لیگ آرژانتین توپ می زنند. همانند رودریگو پالاسیو مهاجم بوکاجونیورز . . . !

برزیلی ها وقتی وارد زمین می شوند سامبا می رقصند و می خوانند. به این دلیل که رویکرد آنان به فوتبال به گونه ای است که این ورزش را تنها وسیله ای برای شادی و سرگرمی می دانند! ولی ما آرژانتینی ها وقتی قرار باشد در آستانه یک مسابقه قرار بگیریم در کنار هم در یک اتاق یا اتوبوسی که ما را به محل مسابقه می برد آواز سر می دهیم و با خشونتی آشکار سلاح هایمان را پر و تیغ هایمان تیز می کنیم. این رفتار خشونت آمیز و بسیار خشک از رویکردی نشأت می گیرد که ما نسبت به فوتبال داریم! یک تفکر جنگجویانه که با تاریخ ما انس گرفته است یا برعکس!

در ۳۰ سال اخیر فوتبال ما با یک چهره نجات یافت. آن نیز کسی جز دیگو آرماندو مارادونا نبود. کسی که نوستالژی و غرور را به فوتبالمان بخشید، گرچه فوتبال خیلی چیزها را از او گرفت. دوست دارم روزی را ببینم که یک ناجی دیگر بسان دیگو سر برآورد و فوتبالمان را به همان اعتبار و راهی ببرد که او در سه دهه اخیر هدایت کرده بود. دوست دارم بار دیگر جادوگری را ببینم که مانند مارادونا تعریف جداگانه ای برای فوتبال انفرادی از خود به یادگار بگذارد. و چون این خواسته و آرزویی از عمق قلبم است می گوید: آمین. . . ! امروز و در چنین جایگاهی آرژانتین مجموعه ای است بسیار نیش دار و لبالب از ستاره هایی مستعد. . . ! در درون دروازه ما آبوندانزیه ری را داریم. کسی که گهگاهی با نمایش هایش موجب تعجب و تحسین همگان می شود. خب بله! برزیلی ها به کافو و کارلوس خود می بالند اما در عوض ما نیز به مدافعان قدرتمند و جنگجویمان می بالیم. به غیر از رهبرمان یعنی خوان پابلو سورین که در چپ معمولاً نفوذهای بیشماری تا نزدیکی محوطه جریمه حریف انجام می دهد بقیه مدافعانمان حتی تا نیمه زمین نیز پیشروی نمی کنند. آنها حقیقتاً مدافعانی حرفه ای و کارکشته هستند که اگر هم قرار باشد به جلو بتازند زمانی است که کرنری و یا ضربه آزادی آن هم در موقعیتی مناسب نصیب تیم شده. . . در خط میانی خاویر ماسکرانو بسان یک سگ شکاری است و در کنارش نیز فوتبالیستی به غایت باهوش و حرفه ای چون استبان کامبیاسو قرار دارد. کسی که البته با وظایفی محدود وظایفش را به بهترین نحو ممکن انجام می دهد. پکرمن اعتقاد خاصی از استفاده ریکلمه در سمت چپ خط میانی دارد. گرچه گمان می کنم انتخاب بدی هم نباشد اما به قول یکی از دوستانم که می گوید ریکلمه همانقدر ساکن و بی تحرک است که یک عمارت و یا ساختمان اینگونه به نظر می آید! همین دوستم معتقد است وقتی ریکلمه پاسی می دهد غیرممکن است که او را متحرک یافت کنید. اما خب! من می گویم تحرک و سرعت ریکلمه به میزبان توانایی ها و قدرت جاذبه های فوتبالی اش وابسته است که او گهگاهی نشان می دهد آنچنان که برخی ها می گویند توانا نیست! در سمت راست رودریگز فوتبالیستی که در تعویض و جابه جایی منطقه بازی اش متبحر است بازی می کند. او بازیکنی است بسیار پرتوان و انرژی که بیشتر از آنکه در گوش ها در تب و تاب باشد به قلب دفاع می زند و همین تلقی موجب شده که او در گلزنی یک مهره قابل اتکا باشد. گذشته به ما یادآوری می کند که همواره آرژانتین در سمت چپ نیش دارتر و زهردارتر بوده و همین تحرک مکسی و نیز تبحرش در گلزنی می تواند نکته ارزشمندی برای پکرمن محسوب شود. در خط حمله ما از کرسپو و ساویولا بهره می بریم. دو مهاجمی که در کارهای حمل توپ آنچنان حرفه ای نیستند و در عوض گلزنانی مادرزاد و خطرناک محسوب می شوند. آنها از آن دسته از مهاجمانی اند که برای گلزنی نیاز به فضا و توپ دارند تا اینکه خودشان ایجاد موقعیت کنند! حال اگر مسی- که دیدار نخست را بر روی نیمکت شاهد بود- نیز به این جمع هجومی افزوده شود و با احتساب اینکه در نیمکت نیز از مهاجمی چون کارلوس تهوز و هافبک خلاقی بسان آیمار سود می بریم آنگاه چنین امکانات و استعدادهایی می تواند ما را نسبت به آینده کشورمان امیدوار کند! با این تصویر تیم کشورم هنوز سنت خود را پاس داشته و به امید موفقیت شان می گویم: آمین. . . !

*** ستاره اسبق تیم ملی آرژانتین و رئال مادرید و ستون نویس گاردین در جام جهانی ۲۰۰۶**

روبرتو کارلوس در آخرین ایستگاه جام جهانی

مرحله به مرحله پیش می رویم

ترجمه : بهرنگ داودی

حداقل از دیدگاه کارلوس آلبرتو پریرا آنقدر توانایی دارد که بسیاری از جوانان و مدعیان قرار گرفتن در ترکیب ثابت برزیل را پشت خط نگه دارد. ضربات ایستگاهی اش چه از نظر آمار و چه از لحاظ جذابیت اعتبار گذشته خود را از دست داده اند، سرعتش با چند سال قبل قابل قیاس نیست و در رئال مادرید چند فصلی است شرایط خوبی را تجربه نمی کند اما برای تیمی که رسیدن به ششمین عنوان قهرمانی جهان را هدف بزرگ خود در فستیوال جهانی آلمان قرار داده است یک مهره کارساز و مطمئن است. روبرتو کارلوس برای سومین و آخرین بار پیراهن برزیل را در جام جهانی به تن می کند و طبیعتاً با یک احساس متفاوت و شخصی تمایل دارد بار دیگر جام را بالای سر ببرد. برزیل با دیدگاهی کلیشه ای، تاریخی و البته فنی از نظر کارشناسان مثل همیشه به عنوان بخت اول، رقابت ها را شروع می کند و در این بین نقش نفرات باتجربه ای مثل کارلوس در جوخه تحت هدایت پریرا بسیار تعیین کننده است. . .

■ سومین حضورتان در جام جهانی را تجربه می کنید. . .

بله. البته سال ۹۴ در آخرین لحظات از لیست نفرات خط خوردم. پریرا گفت خیلی جوان هستی و لئوناردو را انتخاب کرد که توانایی بازی در دفاع چپ و خط میانی را داشت. این دوره آخرین حضورم در جام جهانی است و فکر می کنم بهترین آن باشد. به سختی تلاش می کنم که بسیار قدرتمندتر از سال ۲۰۰۲ ظاهر شوم.

■ با وجود کسب افتخارات بسیار زیاد، به نظر می رسد هنوز از انگیزه قوی برای حضور در این رقابت ها برخوردار هستید. . .

همیشه ذهنیت پیروزی داشته ام و به همین دلیل روحیه ام با دورانی که تازه وارد دنیای حرفه ای شده بودم فرقی نکرده است. پس از جام جهانی دو سال دیگر در تیم ملی بازی می کنم. یک جام آمریکای جنوبی و کنفدراسیون ها انتظارم را می کشند و پس از آن تلاش می کنم به حد نصاب بازی های ملی کافو برسم. همه اینها در کنار رقابت های امسال انگیزه ام را تقویت می کنند.

■ مثل همیشه فشار روحی بسیار سنگینی را به دلیل انتظارات بالا تحمل می کنید. به چه شکل با آن کنار می آیید؟

برای تیم ملی برزیل فقط یک گزینه وجود دارد. پیروزی و قهرمانی. در برزیل روزنامه نگاران و هواداران فوتبال فقط سر تعداد گل های زده در هر بازی شرط می بندند و کسی حتی به تساوی فکر نمی کند. این فشار را همیشه احساس کرده ایم. عملکردمان حتی در تمرینات به شدت تحت نظر است و ناچار هستیم مطابق خواسته هواداران پیشروی کنیم. همه می گویند برزیل مدعی اول است. کاملاً درست است اما باید با صبر و حوصله رقابت ها را دنبال کرد و چون فوتبال سرشار از اتفاقات پیش بینی نشده است. طی دوازده سال گذشته تنها یک جام را از دست دادیم و آن کوپا آمه ریکا در کلمبیا بود. همه بازیکنان تلاش می کنند از نظر ذهنی خود را کاملاً آماده کنند و این موضوع را به خوبی می توان مشاهده کرد. به این فشار و توقعات بالا کاملاً عادت کرده ایم.

■ تفاوت برزیل با سایر تیم ها را در بسیاری از نکات می توان دید. حتی جو تمرینات. فضایی بسیار شاد و صمیمی. . .

بله و متاسفانه بسیاری تصور می کنند جلسات تمرینی برزیل بیشتر حالت شوخی دارد. اصلاً درست نیست. در پایان هر جلسه بازی تمرینی انجام می دهیم و در آنها نکات تاکتیکی را پیاده می کنیم و حتی پس از گلزنی به معنای واقعی خوشحالی می کنیم. پس از پایان جام جهانی مشخص می شود تمرینات تیم ملی برزیل تا چه اندازه جدی بوده است.

■ در تیمی که بیشترین ستارگان حرفه ای را در اختیار دارد نقش مربی تا چه اندازه به چشم می آید؟

بسیار زیاد. اینکه تصور شود با اتکا به بازیکنان بزرگ و بدون توجه به سیستم بازی حریف راهی زمین می شویم کاملاً اشتباه است. قبل از هر بازی، تیم مقابل را از طریق نوارهای ویدئویی بررسی می کنیم، اینکه نقطه قوت آنها کجا است، چگونه از ضربات ایستگاهی استفاده می کنند و . . . بسیار مهم است. خدایان فوتبال نیستیم که همیشه خود را از پیش برنده بدانیم و این نکته ای است که پریرا همیشه روی آن تاکید می کند. او می خواهد در هر دیدار بهترین بازی خود را ارائه دهیم. بازی در جام جهانی آسان نیست و باید به همه حریفان احترام بگذاریم. با هدایت پریرا مرحله به مرحله پیش خواهیم رفت.

■ اولین بازی برابر کرواسی است.

سرعت آنها بسیار بالا است. بازی های دوستانه آنها را به دقت زیرنظر گرفتیم. بیشترین قدرت و تلاش خود را در نیمه اول صرف می کنند و مهم این است که آنها را از ریتم عادی بازی شان خارج کنیم.

■ سپس برابر استرالیا.

شاید به نظر بیاید آسان ترین حریف هستند چون تفاوت شان با سطح بازی برزیل زیاد است اما این نکته را فراموش نمی کنیم که اکثر بازیکنان آنها در اروپا بازی می کنند و تجربه خوبی دارند.

■ و آخرین بازی گروهی برابر ژاپن.

بدون شک سخت ترین حریف دور اول. همیشه دردسرساز شده اند. در جام کنفدراسیون ها برابر آنها به تساوی دو به دو رسیدیم. باید مراقب آنها باشیم.

■ سیسینیو می تواند کافو را در طول رقابت ها نیمکت نشین کند؟

کافو یک بازیکن کلیدی در ترکیب تیم است. بنابراین سیسینیو باید صبر کند و در انتظار فرصت مناسب بنشیند. حضور کافو از نظر روحی هم برای تیم اهمیت دارد. سیسینیو بازیکن بزرگی است و می تواند جانشین مناسبی برای کافو باشد.

■ اما نیمکت نشینی در جام جهانی برای هر بازیکنی سخت است به خصوص برزیلی ها.

درست است اما بازیکنان حرفه ای فکر می کنند. در جام جهانی ۲۰۰۲ برابر کاستاریکا به میدان نرفتم. . . گیلبرتو، روبینیو، سیسینیو و. . . فرصت بازی پیدا می کنند، موفقیت تیم از همه چیز مهم تر است.

■ وضعیت روبینیو چگونه است؟

باید آمادگی اش را حفظ کند. مطمئن هستم پریرا در برخی دیدارها از او استفاده می کند.

■ احتمال دارد اسپانیا و برزیل با هم روبه رو شوند. حتماً احساس خاصی نسبت به این دیدار دارید؟

هر بازی می تواند احساس خاص خود را ایجاد کند. آنها از قدرت برزیل آگاه هستند اما تحت تاثیر آن قرار نمی گیرند. اسپانیا استعدادهای خوبی دارد و یک مربی که قصد ساختارشکنی دارد. این تیم بیشتر متکی به کار گروهی است تا حرکات انفرادی. فکر می کنم بازی جالبی از آب دربیاید.

■ شرایط رونالدو پس از پشت سر گذاشتن یک فصل دشوار چگونه است؟

انتقادات، هواداران، مطبوعات و. . . رونالدو شرایط خوبی را طی یک سال اخیر پشت سر نگذاشت. هر روز با او صحبت می کنم. وضعیت روحی خوبی دارد و مطمئن هستم می تواند رکورد گلزنی دوره قبل را تکرار کند.

■ آیا در پایان شاهد خنده های روبرتو کارلوس خواهیم بود؟

امیدوارم. احساس خستگی نمی کنم و با قدرت برای پیروزی تلاش خواهم کرد. آخرین جام جهانی دوران حرفه ای خود را سپری می کنم و تمام فکر و ذهنم معطوف قهرمانی است.

برزیل - کرواسی

محل انجام دیدار: ورزشگاه المپیک برلین (گنجایش: ۷۲ هزار نفر)

داور: بنیتو آرچوندیا از مکزیک

خط نگه داران: خوزه رامیرز از مکزیک و هکتور ورگارا از کانادا

■ ترکیب های احتمالی

برزیل: دیدا ـ کافو، لوسیو، خوان، روبرتو کارلوس، امرسون، زی روبرتو، کاکا، رونالدینیو، رونالدو (یا روبینیو) و آدریانو

کرواسی: پلتیکاسا، شیمیچ، رابرت کواچ، سیمونیچ، سرنا، تودور، نیکو کواچ، بابیچ، کرانیکار، کلاسنیچ و پرشو

محرومان: ندارد.

مصدومان: در تیم کرواسی ایویکا اولیچ از درد در ناحیه ران می نالد و در اردوی برزیل رونالدو به دلیل جوش و تاول زدن پاهایش در روزهای اخیر نصفه و نیمه تمرین کرده و سینوس هایش نیز چند روز پیش عفونی شده بودند.

حاشیه

در متن و حاشیه جام جهانی

برای مدافعان برزیل مهم نیست

وصال روحانی

در آستانه دیدار نخست برزیل در گروه ششم جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ که در برابر تیم کرواسی است «خوان» مدافع تیم ملی این کشور می گوید او و یارانش بی توجه به تمام انتقاداتی که از آنها صورت گرفته است و افتادن تقصیر گل های خورده به گردن آنها، مدافعان برزیل همچنان به کار و تلاش و روال عادی حضور خود ادامه خواهند داد. خط دفاعی برزیل همیشه به عنوان نقطه ضعف تیم برزیل محسوب شده اما «خوان» که گمان می رود در کنار لوسیو مدافع وسط ثابت این تیم باشد، می گوید: «هر موقع که ما گل می خوریم، تمام تقصیرات را متوجه ما می دانند و هیچ کس در نظر نمی گیرد که حریفان ما نیز قوی و خط آتش آنها هم موثر بوده است. ما هم تصمیم گرفته ایم که به این گونه نظرها و انتقادات بها ندهیم و تاثیری از آنها نپذیریم.» گفتنی است «خوان» که در باشگاه بایر لورکوزن آلمان عضویت دارد، جام جهانی ۲۰۰۲ را از دست داد، زیرا یک سال پیشتر در یک دیدار مرحله مقدماتی طی شکست ۱-۳ در برابر بولیوی نمایش بسیار بدی را ارائه داده بود. او اینک ۲۷ سال دارد.

■ توصیه به مربی لهستان

لهستان پس از قبول شکست ۰ - ۲ در برابر اکوادور در مسابقه نخست خود از هر جهت به دیدار دوم خود می اندیشد که چهارشنبه شب در برابر آلمان خواهد بود و سرنوشت این تیم و صعود یا حذفش را در مرحله نخست تا حد زیادی مشخص خواهد ساخت.

در این حدفاصل دو ملی پوش سابق فوتبال لهستان به پاول یاناش مربی تیم ملی این کشور توصیه کرده اند برای این دیدار به روش سنتی تر و رایج تر در این تیم یعنی ۲-۴-۴ عودت کند و از روش ۱-۶-۳ دست بردارد و در این راه «ماسیش زورافسکی» یکی از مهاجمان تیم را کنار بگذارد.

این دو ملی پوش پیشین نامدارانی چون ولودزیمیرز سمولارک و آندری ژارماخ هستند که در سال ۱۹۸۲ هنگامی که تیم ملی لهستان به رتبه سوم جام جهانی اسپانیا رسید، در کنار یاناش در ترکیب این تیم بازی می کردند. لهستان ۸۵ سال است که آلمان را نبرده، ولی دو بازیکن مورد بحث آنقدرها هم ناامید نیستند. ژارماخ که در تیم سال ۱۹۷۴ لهستان نیز عضویت داشت و آنجا هم حائز رتبه سوم شد، می گوید: «چاره ای نداریم جز اینکه در تاکتیک و روش کارمان برای دیدار بعدی تغییراتی ایجاد کنیم. با احتساب شکست ۰-۲ ما در برابر اکوادور در دیدار اول مان باید حتماً به روش هایی آشناتر و موثرتر روی آورد. زورافسکی در مسابقه با اکوادور خوب نبود و در سیستم استفاده از تک مهاجم جواب نداد و رادومسکی هم به عنوان هافبک ششم و مردی که وظیفه تغذیه زورافسکی را بر عهده داشت، ندرخشید. چرا آنها را برای دیدار دوم کنار نگذاریم؟» بنابراین تنها سئوال موجود این است که آیا یاناش به حرف های دو همبازی سابقش وقعی خواهد نهاد یا نه.

■ فاکتور حیاتی برای آلمان

آلمان بازی اول خود را ۲-۴ از کاستاریکا برد و به گونه ای خود را مدعی فتح جام نشان داد، اما کریستوف متزلدر این را کافی نمی داند. او می گوید مردم کشورش باید هر چه بیشتر در تلاش تیم ملی آلمان مشارکت و تیم را تشویق و تقویت کنند و فراتر از آن یک شور عظیم ملی را به سود تیم میزبان جام هجدهم به راه اندازند تا اگر قرار است آلمان چهارمین قهرمانی اش را تجربه کند، این سلاح را نیز به نحو احسن در اختیار داشته باشد.

«اگر می خواهیم در میدانی مثل جام جهانی نتیجه بگیریم باید فاکتورهای زیادی را در اختیار داشته باشیم. فن، مهارت، قدرت، روحیه، سختکوشی، اشتیاق و کار تیمی همه و همه شرط است اما اگر در کنار آن شور عظیم ملی موجود نباشد، هیچ کوششی به ثمر نمی نشیند. مردم ما باید به یاد این مسئله و اتحادی تمام عیار با تیم ملی باشند.»

■ مسئله بطری های آب

انگلیسی ها ظرف ۴۸ ساعت گذشته با سران فیفا تماس گرفته و خواستار رسیدگی به رویداد و مسئله ای شده اند که طی پیروزی ۰ - ۱ عصر شنبه آنان در برابر پاراگوئه در گروه دوم جام جهانی ۲۰۰۶ شکل گرفت. آن بازی در ساعت ۳ بعدازظهر به وقت محلی در آلمان و در گرمای ۲۹ درجه سانتی گراد برگزار شد که برای این نقطه از اروپا غیرعادی و به خصوص برای انگلیسی ها آزاردهنده است. آنها نیز برای مقابله با این وضعیت دائماً از کنار زمین بطری های پلاستیکی آب خنک را طلب می کردند و به دست شان رسانده می شد، ولی پس از گذشت دقایقی مسئولان کنار زمین از تکرار این قضیه تا سر حد امکان جلوگیری کردند و نگذاشتند که انگلیسی ها خود را آن گونه که می خواهند «آب باران» کنند. به همین خاطر شکایتی به دست فیفا رسیده و آدریان بیوینگ تون سخنگوی اتحادیه فوتبال انگلیس می گوید: «اگر مقدار زیادی آب مصرف کردیم، به این خاطر بود که واقعاً به این گونه گرماها عادت نداریم و بر اثر تعرق شدید آب زیادی از بدن بازیکنان ما خارج شد. این همه لیترهای آب از دست رفته باید به گونه ای جبران می شد. پس چگونه می توان از تیم ما به خاطر رساندن آب و محلول های نمک لازم به دست بازیکنانش انتقاد و طی مسابقه از این کار جلوگیری کرد؟»

هاینتزه: برای نتیجه گیری زود است

خیلی ها از جمله سرالکس فرگوسن و سران من یونایتد بر این باورند که بازی دادن گابریل هاینتزه آن هم در شرایطی که او ماه ها در چنگال مصدومیت گرفتار بود تصمیمی بسیار عجولانه و احساسی است. هاینتزه که ماه هاست جز در اواخر فصل که بیشتر از او در تیم های ذخیره یونایتد استفاده می شد از سطح اول فوتبال به دور است اما او آنقدر در کارهای دفاعی مستحکم و قدرتمند است که خوزه پکرمن بی اعتنا به این حواشی او را در قلب خط دفاعی در کنار روبرتو آیالا قرار دهد. او در دیدار اول تیمش در برابر ساحل عاج نمایش قابل قبولی داشت و نشان داد زوج او و آیالا یکی از بهترین ترکیب های دفاعی جهان است. مدافع اسبق پاریس و فعلی یونایتد درباره نخستین پیروزی تیمش در جام جهانی می گوید: «نتیجه بسیار خوبی بود و نیز یک سه امتیاز بسیار شیرین. . . چون که ساحل عاج نشان داد که حریفی است بسیار قدرتمند و گردن کلفت! چنین تیمی لبالب از بازیکنان سریع و نیرومند بود. کسانی که از لحاظ بدنی در شرایط بسیار آرمانی قرار داشتند. ولی نکته ای که موجب افزایش اعتماد به نفس ما شد این بود که دریافتیم از لحاظ مهره و اعتبار از سطحی به مراتب بالاتر از آنان قرار داریم. همین راه ما را برای نیل به نتیجه دلخواه آسان کرد.» مدافع باهوش و جنگنده آلبیسلسته در خصوص آینده تیمش و اینکه انتظارات از آنها بسیار زیاد است، می گوید: «بله! شنیده ام که خیلی ها بر این عقیده اند که ما سرانجام جام را بر فراز دستانمان قرار خواهیم داد. اما باید نکته ای ناگفته نماند! و اینکه این تنها نخستین پیچی بود در این پیچ و خم سرگیجه آور جام جهانی. . . ! بازی ها و نبردهای بسیاری پیش روی ماست. ما تمام هدف و تمرکزمان معطوف به این است که تا انتها با چنین انسجامی حرکت کنیم و پیش برویم.» هاینتزه ۲۸ ساله کسی که در اولدترافورد همواره در هیبت یک مدافع چپ بی نظیر ظاهر می شد در ترکیب آلبیسلسته به عنوان یک مدافع میانی در کنار روبرتو آیالای کهنه کار و بزرگ قرار می گیرد.

آرین روبن: بهتر از این هم خواهم شد

لاله های نارنجی شروع خوبی داشتند. هر چند به لحاظ تاکتیکی آنچنان امیدوارکننده نشان ندادند اما به هر حال کسب سه امتیاز در نخستین روز می تواند آنها را در راه صعود از این گروه سخت و دشوار یاری دهد. اما در این راه کسی که بیشترین نظر را معطوف خود ساخت کسی نبود جز بال استثنایی و پرسرعت چلسی یعنی آرین روبن. . . تاثیر او بر روند حرکتی شاگردان مارکو فان باستن کاملاً آشکار و چشمگیر بود. شاید اگر هلندی ها نمی توانستند از چنین اعجوبه ای در این جام بهره ببرند شانس بسیار اندکی حتی برای صعود از این گروه داشتند. ستاره بی نظیر لاله ها شادمان از این پیروزی می گوید: «خیلی خوب بود! پیروزی در دیدار اول واقعاً باارزش است. از نحوه عملکردم در این دیدار بسیار خرسندم. حتی می توانم از این نمایشی که امروز ارائه دادم بهتر و درخشان تر ظاهر شوم. اما نکته ای که باید به آن اعتنا کرد گرمای طاقت فرسای لایپزیک بود. گرما به حدی بود که برای دقایقی از مسابقه حتی دویدن کاری مشکل می نمود!» روبن به قدری آماده و سرزنده نشان داد که ایلیا پتکوویچ مجبور شد تا نناد جورجوویچ مدافع راست تیمش که در مهار او ناتوان نشان می داد را تعویض کند. او اگنن کورومان را جانشین او ساخت. روبن کسی که یک تنه کشورش را به چنین پیروزی باارزشی رهنمون ساخت آنچنان سبکبال و راحت در چپ و راست در حال جابه جایی بود که گویا انگار نه انگار همین آب و هوای گرم و طاقت فرسا بود که بسیاری از یارانش از جمله رود فان نیستلروی را دچار رکود شدید کرد. روبن می گوید: «اینکه نتوانستیم موقعیت های بیشتری را بر روی دروازه صربستان خلق کنیم برمی گردد به این که در بازی نخست معمولاً آن هماهنگی ایده آل زیر سایه فشار و استرس کاذب قرار می گیرد.

جو کول: چه با پیتر چه با مایکل

جو کول آخرین تجربه فوتبالش را در دیدار برابر پاراگوئه تجربه کرد. بازی در خط حمله و یک حامی برای مهاجمی نوک از نوع پیتر کراوچ! هافبک چپ تکنیکی چلسی در نیمه دوم دیدار پس از خروج مایکل اوون به خط جلوتر رفت تا در کنار پیتر کراوچ در جایگاه سانتر فوروارد تغذیه کننده مهاجم بلندقامت لیورپول شود. کول دراین باره می گوید: «بسیار روشن بود که ما در ادامه مسابقه نیاز به استراتژی جدید داشتیم. تاکتیکی که بازیکنی از جنس من بتواند پا به توپ شود و برای مهاجم کناری اش که البته جلوتر از چنین پاسوری در خط حمله قرار می گیرد موقعیت سازی کند. از اینکه چنین وظیفه ای از جانب اریکسون به من محول شد چندان متعجب نشدم زیرا می دانستم که اسون به توانایی من در آن منطقه ایمان داشت!» از نظر کول فرقی نمی کند که او باید با پیتر کراوچ ۱۹۷ سانتی متری بازی کند و یا با مرد برق آسایی بسان مایکل اوون. . . «اگر بخواهم در کنار پیتر بازی کنم، خب! طبیعتاً باید تحرک بیشتری به حرکاتم ببخشم تا برای او موقعیت گل ایجاد کنم. اما وقتی قرار باشد در کنار مایکل قرار بگیرم باید حرکات ترکیبی بیشتری با او انجام دهم چون او در سرعت و حرکات پا به توپ یک استثنا است.» بازیکنان انگلستان هنوز که هنوز است از شرایط آب و هوایی فرانکفورت گله می کنند. جو کول نیز یکی از این شاکیان است: «واقعاً افتضاح بود! گرمی هوا دقیقاً به اندازه گرمای کره و ژاپن و نیز پرتغال بود. در نیمه دوم حتی شرایط بدتر هم شد و آنقدر هوا خشک و گرم بود که توان و انرژی بازیکنان تخلیه شد!» بازی بعدی انگلستان با پدیده کنونی جام ترینیداد و توباگو است. تیمی که به رغم اینکه ۴۵ دقیقه ۱۰ نفره بازی می کرد توانست سوئد را از رسیدن به ۳ امتیاز مسابقه ناکام بگذارد. کول حرف آخرش را می زند: «آنها نشان دادند تیم حرفه ای و فوق العاده از لحاظ بدنی نیرومند هستند. می تواند بازی سختی باشد. اما ما باید آنها را نیز شکست دهیم. ما جمعی از حرفه ای های دنیا هستیم و می توانیم از عهده این کار بر آییم!»

والدس: به پیروزی در برابر سوئد خوش بینم

پاراگوئه به رغم شکست در نخستین روز، مجموعه ای نشان داد که می تواند در صورت اعتماد به نفس و بهره گیری بهینه از موقعیت های ایجاد شده بر روی دروازه حریفان تیم نیش داری باشد. شکست آن هم در برابر بریتانیایی های مدعی آن هم با یک گل به خودی که حاصل دستپخت کارلوس گامارا کاپیتان تیمشان بود نتیجه ای است گرچه بی حاصل اما از منظر فنی امیدوارکننده. . . ! حال کادر فنی و بازیکنان این تیم با مشاهده عملکرد ترینیداد و توباگو در برابر سوئد که ۱۰ نفره آنها را متوقف ساخت به آینده تیمشان و نتیجه گیری در برابر یاران هنریک لارسن خوشبین شده اند. نلسوت هیدو والدس مهاجم نیش دار پاراگوئه چنین اعتقادی دارد: «نبرد ما در برابر سوئدی ها بسان یک پیکار نهایی است. یک مسابقه فینال. . . اگر پیروز شویم، خب! البته می توانیم به حذف نشدن امیدوار باشیم اما اگر شکست خوردیم بهترین کاری که از دستمان برخواهد آمد آماده کردن وسائل شخصی و چمدان هایمان برای بازگشت به پاراگوئه است!» مهاجم سوم وزراشتادیون که در برمن یک ژوکر سرنوشت ساز در این سال های اخیر نشان داده از عملکرد یارانش در برابر انگلستان رضایت دارد. «خب بله! شکست هیچگاه شیرین نیست. اما چنین شکستی با چنین نمایشی ما را به ادامه مسیر خوش بین کرده است. اگر بتوانیم در برابر سوئد همانی باشیم که در نیمه دوم در برابر انگلستان بودیم آن وقت پیروزی آرزوی دست نیافتنی ما نخواهد شد! در دیدار نخست در برابر انگلستان ما با استرس بسیار بازی را شروع کردیم. به آنها فضای بسیاری دادیم اما موقعی که شرایط را درک کردیم و خود را باور کردیم دیگر دیر شده بود.» والدس از بازی سازهای تیمش شاکی است. معتقد است آنها آنطور که باید او و زوجش، سانتاکروز را در موقعیت های گلزنی قرار نمی دهند. در انتها می گوید: «ما در خط حمله آنچنان موقعیت زیادی نداشتیم. تنها من و روکه بودیم که باید از این فرصت ها در برابر ۴ مدافع بزرگ و مستحکم استفاده می کردیم. انتظار من این است که در برنامه های هجومی بهتر و سازماندهی شده تر تغذیه و حمایت شویم!»